

2-9-1970

Kārawān, 1348-11-20, 1970-02-09

Abdul Haq Waleh

Ṣābahuddiñ Kushkakī

Follow this and additional works at: <https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan>

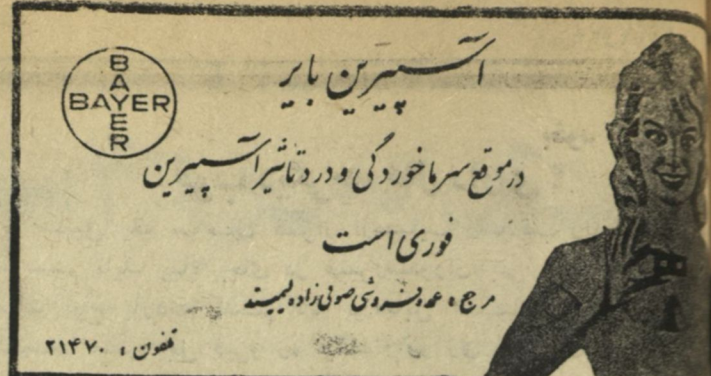
 Part of the [Asian History Commons](#)

Recommended Citation

Waleh, Abdul Haq and Kushkakī, Ṣābahuddiñ, "Kārawān, 1348-11-20, 1970-02-09" (1970). *Kārawān*. 191.
<https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan/191>

This Book is brought to you for free and open access by the Digitized Newspaper Archives at DigitalCommons@UNO. It has been accepted for inclusion in Kārawān by an authorized administrator of DigitalCommons@UNO. For more information, please contact unodigitalcommons@unomaha.edu.





۱۱۷ گنه

د ذیحجة الحرام ٤ ١٣٨٩

عبدالسلام معاویہ بن خنظلہ دارنگلو
مانت خط شرعی باشد یا عرفی ؟

در مناطق سرحدی دو کشور بیک سلسله تدارکات نظامی دست زده که تحریک آمیز می‌باشد. و دیدش در بغداد گفت عراق برای دادن جواب مقتضی بهر گونه بیش آمد سوآآماده می‌باشد.

از ۸۱ میلیارد افغانی سالیانه میشود
(بقیه در صفحه ۴)

یافت.

همان لحظه از ولایت ننگرهار آمد

عبد السلام گفت عبد الله

عبدالهادی کریم در محکمه دیر وز گفت
اورا در کابل توقیف نموده بکاپیسا بردند

(بقیه در صفحه ۴)

خداوند و کلماتی را که در نور
محاکم افغانستان قسم شمر د

می تواند .
رسیدگی به جبران خساره از

نه ماده قانون اساسی، هفت ماده قانون انتخابات، ۷۹ ماده قانون

شمرده میشود چون صورت دعوی
والزام علیه متهم يك روز قبل قرائت

سبب حق اعتراض یا سوال



CARAVAN

اداره مطبوعات در صدارت

اولین اداره مطبوعات در افغانستان در عصر امانیه در وزارت امور خارجه دایر گردید که در رأس آن استاد صلاح الدین سلجوقی قرار گرفت.

در سال ۱۳۱۶ استاد سلجوقی موظف گردید ریاست مستقل مطبوعات را تشکیل بدهد که در آن مطبعه، آژانس باختر، رادیو، شعب نشراتی مرکز ریاست، انجمن های تاریخ و دایرة المعارف آریا و با یکده روز نامه ها انسجام یافتند. از آن وقت تاکنون که ریاست مستقل مطبوعات به وزارت اطلاعات و کلتور تغییر شکل داده است، در وظایف و کیفیت کار این دستگاه بسیار مهم و حساس تغییراتی واقع گردید که تا بسیار جا بسته به وزیر آن بوده است.

با انفاذ قانون مطبوعات سابق که به اشخاص انفرادی اجازه میداد جراید خودشان را تحت شرایطی نشر کنند، نشریه های از قبیل وطن، انگار، ولس و ندای خلق بمیان آمد و بعد از اینکه دل یکده نویسنده ها خالی شد و از غله دیگر همانطور پرمانند، این جراید یکی بعد دیگری از بین رفتند.

قانون اساسی جدید حق مردم را در تلویج جراید و روزنامه ها مسجل گردانید و بهمین اساس بود که جراید از قبیل وحدت، افغان ملت، خلق، پیام امروز، مساوات، ندای وجدان، سبا، پکتیکا، هدف، اتحاد ملی، جبهه ملی و غیره و روزنامه مانند کاروان بوجود آمد و یکده آنها را باد های مخالف لرزانیده بزعمین افکند و غده دیگر مانند درخت چنار بابر جا ماندند.

با طبع و نشر یکده قابل ملاحظه جراید در پایتخت، وضع حکومت در قبال این نشریات و استفاده احتمالی از آنها در صدارت یک شعبه بوجود آمد که مطالب جراید غیر حکومتی را به دوایر مربوط میفرستاد و آنها میخواهد در مورد اقدام کنند تا اگر واقعاً نواقصی که به آن اشاره شده موجود باشد، بزودی مرتفع ساخته شود.

اکنون که اداره مطبوعات در صدارت بوجود آمده و یکی از وظایف عمده آن بررسی نشریات جراید آزاد میباشد این امر نشان میدهد که حکومت به اهمیت و تاثیر جراید غیر حکومتی خوب ملتفت گردیده و میخواهد به آن ارزش درخور آن را بدهد.

درین مرحله یک پیشنهاد بخاطر میرسد و آن این است که اداره مطبوعات نه تنها خلاصه تمام مطالب مهم جراید را روزانه به اطلاع مقامات صلاحیتدار برساند و در راه عملی ساختن پیشنهاد های مفید و عملی آنها و رفع نواقصی که به آن اشاره میکنند، اقدام نماید بلکه بکوشد مراجع مربوط با جراید حکومتی و غیر حکومتی عین رویه را بنمایند تا روز بروز جراید نگارنده بحیثیت مسلك تقویه گردد و فضای سالمی که برای نشو و نماي مطبوعات از اد لازم است، ایجاد شود.

مکا تیب وارده

قاتل به قصاص رسانیده شود

نما علی مدیر!

درین روز ها کمیسیون از طرف صدارت عظمی موظف شده راجع به احوال بندیها معلومات نماید. بتاريخ ۳۰ ثور ۴۵ شیر احمد که در میدان هوایی سابق قند هار کار میکرد بعد از دو سال بصوب خانه خود حرکت نمود. در کابل که رسید با او چهار نفر آهنگر یکجا شده بسمت لوگر حرکت کردند در حصه بیتی شرفگان لوگر ساعت ده شب از موتر پیاده شدند و در قسمت یک چوب رود خانه شیر احمد از طرف این چهار نفر آهنگر به قتل رسید. قاتلان خصوصاً متی با مقتول نداشتند. صرف مبلغ پانزده هزار افغانی با مقتول بود و این سبب به حیات این جوان خاتمه دادند.

والده سر سفید شیر احمد ضعیف و برادرش در همان وقت از خانه دور بود.

والده مقتول را حکومت محمد آغه جلب نمود که فرزندش را کدام اشخاص بقتل رسانیده وی گفت که خون فرزند او را خود حکومت بازخواست کند چه وی درین باره اطلاعی ندارد.

حکومت این چهار قاتل را که از قریه مقتول میباشند تو قیف نموده قتل را بالای شان به اثبات رسانید و ولسوالی محمد آغه آنها را به پانزده سال حبس محکوم نمود. چون درین روز ها کمیسیون از طرف صدارت به یک سلسله تحقیقات شروع نموده تا احوال بندیها را از نزدیک مشاهده نمایند و چون این چهار نفر در مقابل پانزده هزار افغانی به حیات یک جوان تعلیم یافته و وظیفه شناس خاتمه داده اند باید کمیسیون محترم کاری بکنند که اینگونه اشخاص به قصاص برسند این چهار قاتل در محبس و لایست لوگر توقیف میباشند و باید سرشان بدار بالا شود و یا بدهان توپ بسته شوند. با احترام

والده مقتول

یادداشت اداره: یقین است کمیسیون بر رسی احوال محاسب با شما صدر دری دارد اما تعیین جزای مجبور سین کار محاکم میباشد. این کمیسیون میکوشد وضع محابس را به این منظور مطالعه کند که برای زندانیان حد اقل زندگی تامین گردد.

دستیار خان و ند

صباح الدین کشکی

مسوول مدیر

عبد الحق و اله

بی د تعطیل له ورخو هر مورخ خبر بزی

کابل ۱ شتر ۱۰: په کابل کښی ۳۰۰ - افغانی

په ولایا تو کی ۳۵۰ - افغانی

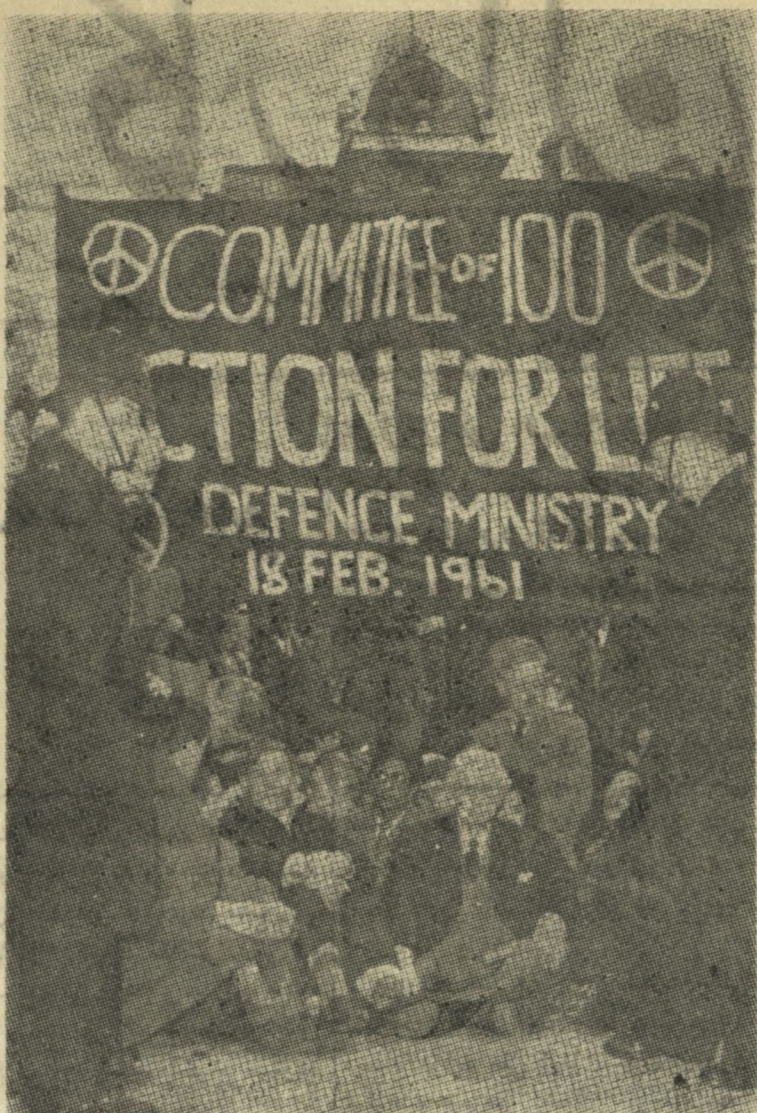
په خارج کښی: آسیا ۲۵ دالر، اروپا ۳۰ دالر او امریکا ۳۵ دالر

د یو ګڼی بیه ۲ - افغانی

پته نوی ښار، اشرف هوتل ته مخامخ

د مسوول مدیر د تېلېفون نمبر ۲۵۰۷۴

نامه نگاران او اداری: ۲۳۳۷۸



رسل و هیر ضد جنگ بود. پیر مردی نود و چند ساله که در راس محصلین و روشنفکران و کارگران قرار گرفته بود و حتی به اعتصاب های تشسته اقدام میکرد. در عکس بالا بر تر اندر سل در جریان یکی از اعتصا بهای تشسته دیده میشود.

مردی که در ۴۶ سالگی و ۹۰ سالگی بخاطر صلح بزند ان رفت

دیگر عالم بود، هر چند در سرا سر عمر خویش در چشم صاحبان قدرت عصیانگری بیش نبود ولی ملیونها تن از جوانان و مردم طبقه سوم و متوسط عالم او را می ستودند. از اینها گذشته مقام او به عنوان یکی از برجسته ترین فلاسفه و متفکران قرن بیستم در تاریخ عالم محفوظ است.

در ۹۰ سالگی به زندان افتاد

رسل مرد لاغر اندام بود که به خاطر هو شیاری و حاضر جوابی و پیکار در راه آزادی فردی و اعتقادات ماوراء الطبیعه گروهی او را به ولتر، فیلسوف و نویسنده قرن هجدهم فرانسه تشبیه می کردند. او از دین مسیح فقط به عشق و محبتش اعتقاد داشت. رسل در ۱۹۱۸ به خاطر صلح جوئی اش به زندان افتاد و یکبار دیگر هم

(بقیه در صفحه ۳)

عالم خدمت کرده باشد، آنچه خدمات او و تلاشهای او را گرانمایگی بیشتری می بخشد در این حقیقت است که هم از خاندانی اشرافی بود و هم از بطن کشوری برخاسته بود که تا دیروز به پرچم داری استعمار عالم شهرت داشت. برتراند رسل «لار» بود ولی ایده آلش در راه زد و دنبال اشرا فیت به کار رفت و سراسر عمر آرمانی را دنبال می کرد که از اهتزاز پرچم امپراتوری و استعمار گری می کاست و به زبونی اشرافیت منتهی میشد.

مقاومتها، اعتبار انگلیس را حفظ کرد بدنیال زوال امپراتوری انگلیس اگر اعتباری برای آن دولت باقی ماند، در مقاومتی بود که طبقه کارگر و متوسط انگلیس در برابر بقایای سنن استعماری از خود نشان داد، در تلاش جماعات واقع بینی بود که در برابر خطر عناصر جنگ طلب در سراسر عالم به جهاد بر خاستند و بالاخره سر آمد همه در وجود مردی نهفته بود که چون شعله ای به همیز افکار و احساسات ضد جنگ مردم در گرفت و آن را روشن کرد و راه روشن زندگی را میان فضائی که بدور جنگ و هیستری جنگ آلوده بود، مشخص ساخت.

گرامی بودن رسل هم در همین است. مردی که در ماه می ۱۸۷۲ قدم به هستی گذاشت و نیمه شب دوشنبه هفته گذشته چشم از جهان بر بست در زمره نوادر ایام بود که عمر خویش را در راه پیکار با شر و بدی مصروف داشت. وی نه تنها مخالف جنگ بود بلکه مخالف سلاح هسته ای و سیاست بافی بود. در طول عمر خود برنده جایزه نوبل و بسیاری از فرمانها و جوایز و افتخارات کشور خود و کشورهای

هر چند از جنگ جهانی اول بدینطرف نهضت ضد جنگ هم در اروپا و هم امریکا و هم شرق دور رونق داشته و خصوصاً بدینال اختراع و تکمیل



بر تر اندر سل در ۱۹ سالگی اشراف زاده جوانی که تبدیل به یک شور ش شد.

سلاحهای ذروی نهضت ضد جنگ در سراسر عالم و کشور های بزرگ و کوچک اوج تازه ای یافته و ولی صرف نظر از تلاش جماعات و موسسات ضد جنگ، تصور نمی توان کرد که در این قرن در هیچ دوره ای هیچ فردی باندازه برتراند رسل به صلح

بخود کار بیکار

خوب دیگر چه حال داری؟

بر سبیل یک ساعت فرار از مصایب و متاع زندگی با بند عهد بستم تا یک پیاله چای در خیبرستوران بنو شیم و ضمناً از حضرت نوح باز دید کنیم که در مقابل تشناب قسمت زندان سالم است مشق جل فیرو زه میکند تا روی که برف های میان پینتوستان وات آب شود، بیاد دوره طوفان آن چند چرخ بر و اطفال و کلان سالان ما نمونه از دریا و کشتی رانی را دیده باشند. پرده را دور کردم و منتظر شدم. از دور سر و کله بنده خدا نمایا شد. من هم جای فرمایش دادم. بنده خدا نزدیکتر و نزدیکتر تا اینکه رسید مقابل ترس خیس. اما عوض اینکه قدم فرا بگذارد، مقابل شد و ایستاد. ایستاد که ایستاد. دو دقیقه. پنج دقیقه. پانزده دقیقه. من هم صحبت دارم. بنده خدا در بسینه مانده گاهی سر را بر است و گاهی بیچ خم میکند اما ادامه دارد. چای که سرد شد و رفت حوصله من نزد یکست برود. آخر چه میکند؟ اینقدر دراز چرا گرفت؟ چه موضوعیست خلاصی ندارد؟ اوف بابا. نمی آیی من چای را مینوشم و میخورم بالاخر آندو از هم جدا گردیدند و بنده خدا بدر و از خیبر نزدیک میخواستم گریبا نش را بگیرم که توجه خورده ای که حل نمیتوانم و بیست دقیقه مرا منتظر ساختی؟ دیدم که بنده خدا از خنده نزدیک ضعیف کند. پر سیدم چه میگفتید که هیچ خلاصی نداشت؟ خنده و گفت بیست دقیقه جور پر سانی اما چه جور پر سانی. آقا بی من این همه گرم گرفته بود، اول پرسید: جور استید، بخیر است و زاد و زیاده جور استید، قبله گاه و والده جور استید، برادر و برادر زاده ها، خواهر ها و خواهر زاده ها جور استید؟ جواب: شکر جور استید، شما چه حال دارید؟ باز با اضافه یک کلمه همه سر را از سر گرفت و پرسید: خوب جور استید، خوب بخیر است و زاد و زیاده جور استید، قبله گاه و والده جور استید، برادر ها و خواهر ها و سایرین...

همینکه این سلسله تمام شد باز یک کلمه دیگر زیاد شده و اینطور تکرار گردید که بسیار خوب جور استید، بسیار خوب بخیر است، قبله گاه و والده بسیار خوب جور استید.

من دست بسینه و میز فروا تصدیق میکردم که جور استید طوری نشان میدادم که وقت ضیق است و باید مرا زود تر کند ولی آشنای مهر بان هر اضافه یک کلمه دیگر عین جمله را تکرار میکرد. جور استید، جور استید، بسیار خوب جور استید، بسیار خوب جور استید، شکر که خوب و بسیار خوب استید. و حتی از احوال همسایه خانه و دکان من، از احوال آن و موتر ران من به همین که پرسید و پرسید.

اگر کدام وقت سلسله از بی ترتیب میشد باز می پرسید خوب... دیگر چه حال داری؟ گفتم آغا جان من باین درازی ها آشنا هستم. بعد دوستان مهربان حتی در تیل همین نوع اظهار لطف مینمایند که چقدر وقت دیگران را ضایع میسازند.

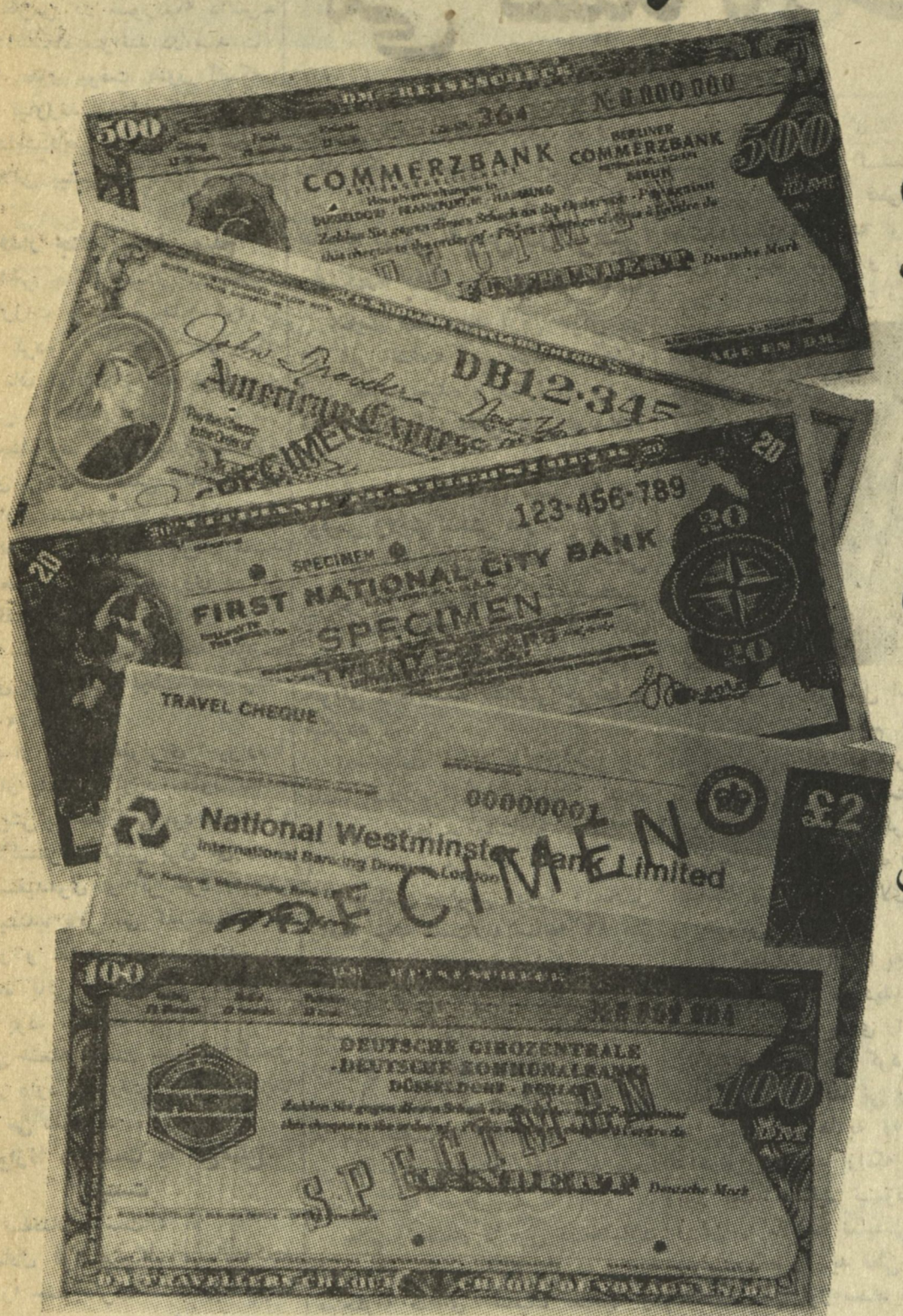
خوب بفر ما بید که چای بنویس (بقیه در صفحه ۳)

بیرنگ کوه دانه

گل امید

بهر سپیده گذر می کنم ز خانه تو بگو ش سنگ سیه سرد هم ترانه تو تنت بخواب فرو رفته در حریر سپه شکفته پر تو خورشید روی شانه تو بی خبر ز همه رنج و ناله های منی تم بسوخت ز پیداد جا و دانه تو بهر سپیده چسان بشکفتد بخاطر گل و شکوفه ز لبخند عا شقا نه از بخواب اید رفته بخت تیر منی که خوانده ایم بسی پیش اوفسانه تو هزار شعر دل انگیز و آسمانی فدای قامت موزون و شاعرانه تو نو بهار منی و بهر سحر بدمد گل امید من از خاک آستانه تو در آسمانی و مارا فراق می سپوز از آفتاب بهر سیم مگر نشانه تو

بانک ملی افغان



در موقع
مسافرت
مطمئن
ترین
نوع
حمل
پول
داشتن
چک
های
سفری
است

بانک ملی افغان انواع چکهای سفری را با اختیار شما قرار میدهد

Before you travel make sure to call on us

BANKE MILLIE AFGHAN
(HEAD OFFICE KABUL)

Select your choice of the variety of travellers checks we carry.

داوطلبان بشتابند

کمپنی دیکش فوستوکین تابلت های ضد حشره را رسانده کراچی و بیمه تاکابل از قرار ۳۵ ر ۳۱ مارک فی کیلو نرخ داده تجار و کمپنی ها ئیکه از نرخ فوق کمتر متقبل میشوند الی تاریخ چهارشنبه ۲۹ دلو که روز آخرین داوطلبی است بر یاست ارزاق مراجعه فرمایند.

در ملی سینما تیاتر

در ملی سینما تیاتر عالی ترین
فلم ایرانی بنام «بنام ایستگاه تون»
اوقات نمایش: ساعت ۲-۴
۶:۳۰ و ۸:۳۰ شب
بروزهای تعطیل نمایش اول ساعت
۱۰ صبح

خانه فروشی

سه در بند حویلی عصری مکمل
متصل یک دیگر که برای ساختن
بسیار دو گانه و شش ایات تمان نیز
گنجایش دارد و در بهترین موقعیت
مقابل لیسه زرغون نه در شیرپور
فروخته میشود. مرجع تیلوفن
نمبر ۳۱۴۹۴

قابل توجه همشریان محترم

شرکت سپین زرجهت تسهیلات بیشتر همشهریان
محترم یک مقدار روغن جامد بیلری را فی کیلو (۲۳)
افغانی طور عمده و آزاد بر علاوه مغازه داران بفروش
میرساند به مؤسسات و هو تله احق اولیت داده میشود
نمره های سوچورد تلفون شرکت سهامی بیمه افغان
را لطفاً نزد خود یاد داشت بفرمائید.

۲۱۶۰۴ - ۲۶۲۵۷ - ۲۶۲۵۸ - ۲۶۲۵۹

در سینما میرویس

فلم سرا پا رنگه موزیکال هندی باشتراک ساد هئا، منو چکما
و ساجن.
اوقات نمایش ساعت ۲، ۵ و ۸ شب.

مردی که در ۴۶ سالگی و ۹۰۰...

(بقیه صفحه ۲)
نود سالگی به اتهام مخالفت با ویتنام او راسخت آشفته خاطر بود. رسل مثل همیشه يك تنه به جنگ و مبارزه به اعتصاب نشسته به و متقلب ساخت، تا جائیکه ۱۹۶۸ زمان افتاد، او همیشه قهرمان نمرود و هنگامی که امریکاییها بمباران گردنکشی تلقی شده بود، به خاطر ویتنام شمالی را اوج و تصاعد تازه شتیاق سوزانش به صلح و آرامش داده و فریاد استمداد آن ملت کو چک

ساجی عبدالروف مقصودی
بافندگی منسوجات مخفی و سندی



ABDUL RAUF MAQSUDI
TEXTILE MILLS KABUL

ساجی مقصودی محصولات جدید خود را تقدیم میدارد:

کتان پرتک ها و جنسیت های مختلف، تکه های راهدار.

فر نوع فرمایش را می پذیرد.

نمایندگی فروش: سرای هزارگل دکان عارف و تمام دکانهای تکه

روش کابل و ولایات.

لیلام بزرگ

باتخفیف بیسابقه

کلهای جدید به فروشگاه از بن سنگ و اتر سنگ
روش میرسد.

آدرس: چار راهی صدارت مقابل سرک کارته پروان

دیگهای پلوپز

اتوماتیک نیشنل



NATIONAL AUTOMATIC RICE COOKER

بانک پلو پز اتوماتیک نیشنل برای راحت بیشتر خانمهای منزل
با دیگهای اتوماتیک پلو پز نیشنل به اندازه و رنگهای مختلف.
اصل فروش: مغازه قاری اما ن نوایی پنبو نستان واپ و مغازه
محمد خواجه، محمد جان خان واپ مقابل وزارت اطلاعات و کلتور

و حفظ حقوق انسانی بود که جنگ
نود سالگی به اتهام مخالفت با ویتنام او راسخت آشفته خاطر بود. رسل مثل همیشه يك تنه به جنگ و مبارزه به اعتصاب نشسته به و متقلب ساخت، تا جائیکه ۱۹۶۸ زمان افتاد، او همیشه قهرمان نمرود و هنگامی که امریکاییها بمباران گردنکشی تلقی شده بود، به خاطر ویتنام شمالی را اوج و تصاعد تازه شتیاق سوزانش به صلح و آرامش داده و فریاد استمداد آن ملت کو چک

کارت عضویت حزب کارمردا
پاره کرد
به عقیده رسل دولت کارگری
انگلیس بیش از پیش از سیاست
امریکا در ویتنام و دیگر نقاط عالم
جانبداری می کرد، ازین رورسل پس
از آنکه پنجاه و یک سال عضو حزب
کارگر انگلیس بود در سال ۱۹۶۵
کارت عضویت خود را پاره کرد و از
آن حزب جدا شد.

هر چند به خاطر افکار صلح -
طلبانه اش گاهگاه مورد ستایش
کمونیستها و عناصر ضد امریکائی
عالم قرار می گرفت، ولی انبساط
به آنان نداشت، چنانکه هنگام مداخله
قوای پیمانوارما در کوسلواکیا قوای
پیمان سخت بدین عمل اعتراض
کرد، در ۸۰ و ۹۰ سالگی ضعف و
فرسودگی رادر او راهی نبود و مجاهد
سالخورده انگلیسی با هو شیاری
و ذکاوت خاص خویش به مبارزه
ادامه میداد، اما در اواخر عمر حریف
بیری و خستگی نشد و از مقام خویش
در راس کمیته ۱۰۱ نفری صلح و
خلع سلاح استعفا داد.

اجداد وی دوک بدفورد و جید
بزرگش لارد جان رسل بوده که روز
گاری صدراعظم انگلستان بود.
رسل هنگامیکه به سه سالگی
رسید، پدر و مادرش را از دست
داده بود و جدش او را بزرگ کرد
سرانجام در طی تحصیل در پوهنتون
کمبریج بود که اندیشه های بعدی
زندگی اش مایه گرفت، در ریاضیات
فارغ التحصیل شد و شروع به
نوشتن اولین کتاب از ۶۱ کتابی
کرد که بعدها جزو آثار برجسته
زندگی اش به جاب رسید.

دیدار بالنین

در طی سه ماهی که در سال ۱۹۱۸
در زندان بود یکی از درخشان ترین
آثار خویش به نام «مقدمه ای بر فلسفه
ریاضی» را نگاشت، و پس از جنگ
علاقه او به سیاست اورا به شوروی
کشاند، در آنجا مدتی ماند و با
نظیر دیداری کرد.

هنکا میکه در ۱۹۴۰ پست استاد
فلسفه در کالج شهر نیویارک منصوب
شد این انتصاب طوفانی برانگیخت
ولی تدریجاً به جامعه شناسی و آموزش
و پرورش دبستانی یافت. قبل از
جنگ دوم بود که سفری به امریکا
کرد و دریافت که پوهنتون های
آن کشور هنوز افکار مترقیانه اورا
درک نمی کنند و به دشواری توانست
کرسی را که در کالج شهر نیویارک
بدو داده بودند حفظ کند.

آنچه در فلسفه او حائز اهمیت
است «منطق» اوست، نظریات وی
در باره ماوراء الطبیعه، اخلاقیات
طبیعت و روابط ماده و فکر، در طی
زندگی اش دستخوش تحولاتی شد
امادر همه آنها آثار عمیقی از منطق
خاص او و شیوه های منطقی اش
مشاهده می شود.

برتراند رسل بعد از اقلیدس تنها
کسی بود که بیشتر و قوت عمرش
در شک و تردید گذشت وی با ورود
بریتانیا به جنگ جهانی اول مخالفت
کرد و هنگامی که به استادی کالج
شهر نیویارک منصوب شد، یک
(بقیه در صفحه ۴)

مطبعه دولتی